



حمایت از کودکان بی سرپرست

دکتر ایراندخت نظری - مدرس

چکیده:

یکی از بنیادهای اساسی جامعه، خانواده است که متأسفانه در جوامع غربی، ارزش واقعی و قداست خود را از دست داده است؛ از این رو در اکثرین کشورها با معضلی به نام «کودکان بی سرپرست» مواجه می‌شویم. در کشور ما نیز بر اثر علل عدیده‌ای چون مرگ والدین یا یکی از آنها، فقدان اقوام (که توانایی سرپرستی از کودک را دارند) و... کودکانی بدون حامی و سرپرست می‌مانند که لازم است توسط مؤسسات دولتی مورد حمایت قرار گیرند. البته گاهی برخی از زوجین خواهان پذیرش این اطفال می‌شوند که به موجب قانون مدنی ایران برای این دسته از زوجین و نیز کودکان بی سرپرست، شروطی وضع شده است.

در این مبحث، تشریفات سرپرستی، شرایط زوجین متقاضی کودک، صدور حکم سرپرستی و آثار مترتب بر آن، انحلال و فسخ حکم سرپرستی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در ضمن آن قوانین حقوقی فرانسه و نیز

اختلافات میان قوانین ایران و فرانسه ذکر شده است؛ البته شایان ذکر است که حمایت از کودکان بی سرپرست در نظام حقوقی غرب «فرزندخواندگی» نامیده می‌شود و چنین کودکی مانعی در ارث ندارد ولی در مورد عقد نکاح ممنوعیت دارد، در حالی که براساس قوانین کشور ما هیچ کدام از دو امر مذکور متحقق نمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها:

فرزندخواندگی، سرپرستی، زوجین، قانونگذار، کودکان بی سرپرست

کودکان که آینده سازان اجتماع خویش هستند، زمانی فرد مفیدی برای جامعه خواهند بود که در خانواده‌ای سالم تربیت شده باشند. امروزه در نقش اصلی و اساسی خانواده و اثرات مثبت یا منفی آن بر کودکانی که در آن رشد کرده‌اند، هیچ تردیدی وجود ندارد. بدون شک کودکی می‌تواند در آینده مملکت خویش به بهترین نحو مؤثر باشد که دوران کودکی و نوجوانی خود را در آغوش گرم خانواده‌ای مؤمن و معتقد به مبانی اخلاقی و آشنا به موازین و قواعد اجتماعی گذرانده باشد. دنیای امروز که با سرعتی سرسام‌آور در

جهان علم و دانش به پیش می‌رود از جهات اخلاقی و معنوی، متأسفانه موفقیتی کسب نکرده و بخصوص در جوامع غربی، خانواده، رکن اساسی اجتماع، ارزش واقعی و قداست خود را از دست داده است، آنچنان که اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی با معضلی به نام کودکان بی سرپرست روبرو هستند.

سرپرستی از کودکانی که به جهات و علل گوناگون سرپرست خود را از دست داده‌اند، در درجه اول بر عهده دولتهاست و به همین سبب در بیشتر کشورهای دنیا مراکز خاص دولتی، سرپرستی و نگهداری از این کودکان را بر عهده دارند. در کنار این مراکز، بعضی مؤسسات که توسط اشخاص خیر و نیکوکار تأسیس شده به این وظیفه مهم اشتغال دارند. اما بدیهی است این مؤسسات و سازمانها به‌رغم وجود امکانات رفاهی، نخواهند توانست جای خالی خانواده واقعی را نزد این کودکان پرکنند. به همین علت در بیشتر کشورها قوانینی به منظور حمایت و سرپرستی از این کودکان تدوین، و مقوله‌ای به نام فرزند خواندگی قانونی شده است.

در کشور ما، اکثر کودکان بی سرپرست به سبب حوادث و وقایع گوناگون،

والدین خود یا یکی از ایشان را از دست داده‌اند و فاقد اقوام سببی یا نسبی که قادر به سرپرستی ایشان باشند، هستند. پس از گسستن خانواده به سبب طلاق یا مرگ یکی از والدین، بسیار دیده شده که کودکان معصوم به بهانه فقر یا عدم توانایی یکی از والدین یا ازدواج مجدد ایشان، به مؤسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست سپرده شده و از نعمت داشتن خانواده محروم گشته‌اند.

خوشبختانه در کشور ما به جهت اعتقادات مذهبی و پابندی به اخلاق، تعداد کودکان نامشروع که بطور ناشناس رها شده و اصطلاحاً «سراهی» نامیده می‌شوند، در مقایسه با جوامع غربی، بسیار ناچیز است، با این حال در ایران نیز عده‌ای از کودکان بی‌سرپرست را همین کودکان تشکیل می‌دهند که اگر ایشان را ثمره روابط نامشروع زن و مردی گناهکار هم ندانیم، لاجرم باید آنان را حاصل ناخواسته‌ای از ازدواج یا ارتباطی پنهانی به شمار آوریم؛ کودکان بیگانه‌ای که به دلایل گوناگون، پدر و مادر سنگدل، آنان را از خود رانده‌اند و این طفلان معصوم یک عمر تاوان اشتباه والدین خود را می‌دهند.

در حالی که تعداد مؤسسات نگهدارنده کودکان بی‌سرپرست به جهت افزایش این کودکان روبه فزونی است، عده‌ای از زوجین به علت ناامیدی از داشتن فرزند از یکدیگر جدا می‌شوند. در دین اسلام همواره از جانب پیامبر عظیم‌الشان ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام به مهربانی و دلجویی و دستگیری از کودکان یتیم و بی‌سرپرست سفارش شده است،

والدین خود یا یکی از ایشان را از دست داده‌اند و فاقد اقوام سببی یا نسبی که قادر به سرپرستی ایشان باشند، هستند. پس از گسستن خانواده به سبب طلاق یا مرگ یکی از والدین، بسیار دیده شده که کودکان معصوم به بهانه فقر یا عدم توانایی یکی از والدین یا ازدواج مجدد ایشان، به مؤسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست سپرده شده و از نعمت داشتن خانواده محروم گشته‌اند.

خوشبختانه در کشور ما به جهت اعتقادات مذهبی و پابندی به اخلاق، تعداد کودکان نامشروع که بطور ناشناس رها شده و اصطلاحاً «سراهی» نامیده می‌شوند، در مقایسه با جوامع غربی، بسیار ناچیز است، با این حال در ایران نیز عده‌ای از کودکان بی‌سرپرست را همین کودکان تشکیل می‌دهند که اگر ایشان را ثمره روابط نامشروع زن و مردی گناهکار هم ندانیم، لاجرم باید آنان را حاصل ناخواسته‌ای از ازدواج یا ارتباطی پنهانی به شمار آوریم؛ کودکان بیگانه‌ای که به دلایل گوناگون، پدر و مادر سنگدل، آنان را از خود رانده‌اند و این طفلان معصوم یک عمر تاوان اشتباه والدین خود را می‌دهند.

در حالی که تعداد مؤسسات نگهدارنده کودکان بی‌سرپرست به جهت افزایش این کودکان روبه فزونی است، عده‌ای از زوجین به علت ناامیدی از داشتن فرزند از یکدیگر جدا می‌شوند. در دین اسلام همواره از جانب پیامبر عظیم‌الشان ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام به مهربانی و دلجویی و دستگیری از کودکان یتیم و بی‌سرپرست سفارش شده است،

نبود.

قانونگذار ایران در سال ۱۳۵۴ با اقتباس از قانون «فرزندخواندگی»^۱ در حقوق کشورهای اروپایی بخصوص کشور فرانسه، قانونی را در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۵۴ به تصویب رساند که چون حقوق ایران (که قواعد آن بخصوص در بخش مربوط به خانواده، ارث و نکاح، برگرفته از فقه امامیه است) هرگز تأسیسی نظیر تأسیس فرزندخواندگی در نظامهای حقوقی غرب را مجاز نمی‌شناسد، آن را به نام قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست» موسوم گرداند.

در این مقاله خواهیم دید که در نظام حقوقی ایران، فرزندخواندگی وجود ندارد^۲ و آنچه از روی مسامحه به این نام خوانده می‌شود، همان سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست است که تابع قواعد خاص مذکور در قانون سال ۱۳۵۴ می‌باشد و بیش از این، آثاری بر آن مترتب نیست.

در آیین مسیحیت نیز با تأکید بر فداست خانواده، هرچند بعضی از افراد به موجب تشریفات و قوانین مذهبی، پدر یا مادر تعمیدی کودک محسوب می‌شوند اما از این نوع خویشاوندی، خانواده بوجود نمی‌آید و آثار فرزند تعمیدی با آثار فرزندخواندگی متفاوت و بیشتر یک

اما در اغلب خانواده‌های ایرانی مسلمان پذیرش کودک بی‌سرپرست با تردید صورت می‌گیرد. اکثر کسانی که کودکی را در خانواده خود می‌پذیرند به جهت رفتار و واکنش اطرافیان سعی در پنهان داشتن واقعیت دارند و همواره ترس از آینده و اینکه کودک سرانجام از حقیقت آگاه خواهد شد، ایشان را آزار می‌دهد.

در کشور ما با وجود اینکه همواره اشخاص نیکوکار از کودکان بی‌سرپرست بطور مستقیم یا غیر مستقیم نگهداری می‌کردند تا سال ۱۳۵۴، پذیرش کودک اعم از بی‌سرپرست یا دارای سرپرست، بدون مینا و احکام قانونی، صرفاً با انگیزه‌های معنوی انجام می‌گرفت.

معمولاً زوجی که صاحب فرزند نمی‌شدند، کودکی بیگانه را مخفیانه پذیرفته و با صحنه سازی به جای فرزند واقعی خود قلمداد می‌کردند و یا اینکه آشکارا فرزند یکی از اقوام و خویشان خود را بزرگ می‌کردند، اما در هر حال روابط ایشان تابع هیچ قاعده و قانونی

1. adoption.

(۲) برخی از حقوقدانان ایران با اینکه خود عقیده دارند در قانون مدنی ما «فرزندخواندگی» وجود ندارد، مع الوصف این اصطلاح را به کار برده‌اند. بنگرید به حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان،

عنوان تشریفاتی، مذهبی و سنتی است. تأسیس فرزند خواندگی در حقوق مذهبی و حقوق قدیم فرانسه هم گمنام و ناآشنا بوده است.^۱

نویسندگان قانون مدنی فرانسه ابتدا در پذیرش این تأسیس دچار تردید بودند؛ زیرا به سبب اینکه فرزندخواندگی مشابه یک قرارداد باید از طرف فرزند خوانده نیز قبول شود، الزاماً فرزند خوانده باید کبیر بود تا بتواند با پدر و مادر خوانده قرارداد منعقد کند و این امر سبب می‌شد که کودکان صغیر همچنان بی سرپرست باقی بمانند. پس از جنگ جهانی اول و به سبب افزایش کودکانی که در جنگ والدین خود را از دست داده بودند، قانونگذار فرانسوی ناگزیر از تصویب قانون ۱۹ ژوئن ۱۹۲۳ گردید که به موجب آن پذیرش کودکان صغیر به فرزندخواندگی بلامانع اعلام شد. پس از آن به سبب افزایش روزافزون کودکان حاصل از روابط آزاد زن و مرد، قوانین متعددی از جمله قانون سال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۱ در زمینه تکمیل و توسعه آثار فرزندخواندگی در این کشور به تصویب رسید و در سال ۱۹۶۶ با تغییراتی در مقررات فرزندخواندگی کامل، فرزندخواندگی ساده نیز پذیرفته شد. جدیدترین مقررات در این زمینه، در سال ۱۹۷۵ تدوین شد که به موجب آن کلیه قواعد مربوط به فرزندخواندگی از وظایف شورای عالی فرزندخواندگی محسوب شده است.

در این مقاله احکام و آثار سرپرستی از کودکان بی سرپرست با توجه به قانون مصوب سال ۱۳۵۴ مورد بحث قرار خواهد گرفت و به سبب اینکه پاره‌ای از

قواعد این قانون از قانون فرانسه اقتباس گردیده، مطالعه تطبیقی مختصری نیز به عمل خواهد آمد.

فرزندخواندگی

فرزندخواندگی که اصطلاح خاص نظامهای حقوقی غرب است و همانطور که گفته شد در حقوق ایران جایی ندارد و بطور مجاز از آن به جای سرپرستی از کودک بی سرپرست استفاده می‌شود، به معنای پذیرش طفلی است بعنوان فرزند قانونی و بهره‌مند ساختن وی از مزایای قانونی آن. در حقوق ایران، با توجه به قانون سال ۱۳۵۴ و موانع شرعی، آثار این پذیرش محدود است و بیش از مزایای تعیین شده در قانون مذکور نمی‌توان امتیازی برای کودک تحت سرپرستی قایل شد. قانون مذکور نیز به جهاتی که یاد شد از اصطلاح فرزند خوانده نامی نبرده است؛ جز اینکه در ماده ۱۳ این قانون، مانند بند ۳ ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ۱۳۱۲^۲، با توجه به اینکه در مورد پذیرش فرزند از جانب خانواده غیر مسلمان صحبت می‌کند و این مقوله در مورد غیر مسلمان پذیرفته شده است، از اصطلاح «فرزندخوانده» استفاده کرده است. با این توضیح که ظاهراً منظور قانونگذار از غیر شیعه در ماده واحده، غیر مسلمان است؛ چه اینکه از نظر عدم الحاق کودک به شخصی که با او هیچ رابطه نسبی ندارد، بین فرق مختلف مسلمان اختلافی نیست؛ مثلاً هرگاه خانواده اهل تسنن سرپرستی کودکی را برعهده گیرند، این سرپرستی همانطور که

قانون تصریح کرده از موجبات ارث نخواهد بود و از این جهت فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد. بنابراین بهتر است بپذیریم که منظور از ایرانیان غیر شیعه که می‌توانند شخصی را به فرزند پذیرفته و او را از تمام حقوقی که برای فرزند واقعی متصور است، بهره‌مند سازند، همان ایرانیان غیر مسلمان است.

فرزند هرکس به شخصی اطلاق می‌شود که از نطفه او بوجود آمده و با وی ارتباط خونی داشته باشد. این تعریف، فرزند مشروع و نامشروع را در برمی‌گیرد اما از نظر قانون ایران، فقط فرزند مشروع یعنی فرزندى که هنگام انعقاد نطفه، پدر و

(۱) در سبهای از حقوق مدنی، مازو (Mazeaud)، ج ۱، (الخاص)، ش ۱۰۲۳ (۲) ماده ۱۳ قانون سرپرستی از کودکان بدون سرپرست مقرر می‌دارد: «مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در مورد فرزند خواندگی به اعتبار خود باقی است.» و ماده واحده مصوب سال ۱۳۱۲ مقرر داشته: «نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آن را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

- ۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق به قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شهر پیرو آنست.
- ۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت به عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.
- ۳- در مسائل مربوط به فرزندخواندگی به عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آنست.»

مادر وی رابطه صحیح شرعی و قانونی داشته‌اند، می‌تواند از امتیازات قانون بهره‌مند شود.

قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۵۸ به بعد، اماره فراش را تعریف و طرف انتساب طفل به پدر را معین کرده است.^۱ به موجب این مقررات و با رعایت موارد مذکور در قانون، طفلی که از رابطه صحیح قانونی بوجود آمده دارای نسب مشروع و قانونی است. و هرگاه تردید شود که آیا فرزند از نکاح صحیح و رابطه مشروع بوجود آمده و دلیل خلافی وجود نداشته باشد، اصل این است که نسب صحیح

فرزند هر کس

به شخصی اطلاق می‌شود که از نطفه او بوجود آمده و با وی ارتباط خونی داشته باشد. این

تعریف، فرزند مشروع و نامشروع را

در برمی‌گیرد اما از نظر قانون ایران، فقط

فرزند مشروع یعنی

فرزندی که هنگام انعقاد

نطفه، پدر و مادر

وی رابطه صحیح شرعی

و قانونی داشته‌اند،

می‌تواند از امتیازات قانون

بهره‌مند شود.

نخواهد شد. برعکس در حقوق فرانسه والدین می‌توانند پس از انعقاد نطفه نامشروع، با یکدیگر ازدواج کرده و از این طریق، نسبت فرزند طبیعی^۳ خود را قانونی نمایند. در این صورت هیچ فرقی بین این فرزند و فرزند قانونی نخواهد بود؛ مگر اینکه نکاح بین والدین به جهتی باطل شده یا شرایط قانونی لازم منتفی گردد که در این صورت نسب قانونی نیز باطل می‌شود (ماده ۲۰۱ ق.م. فرانسه).

در حقوق فرانسه، دو نوع فرزندخواندگی وجود دارد: فرزندخواندگی ساده (adoption simple) و فرزندخواندگی کامل (adoption plenièrè)؛ فرزندخواندگی ساده بوسیله یک قرارداد، بین فرزند خوانده و کسی که او را به فرزند می‌پذیرد و به موجب حکم دادگاه بوجود می‌آید. تا قبل از اصلاحات اخیر در فرانسه، فقط اشخاص کبیر یا صغار بین پانزده تا هجده سال می‌توانستند به این

بوده، همچنین هرگاه طرفین یا یکی از ایشان در ایجاد ارتباط در شبهه و اشتباه بوده و از این رابطه کودکی بوجود آید، نسب او به فردی که در شبهه بوده، قانونی است. به این جهت ماده ۱۱۶۵ ق.م. مقرر کرده: «طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده‌اند، ملحق به هر دو خواهد بود.»؛ بنابراین کودک متولد از زنا همچنان که ماده ۱۱۶۷ ق.م. نیز تصریح نموده ملحق به زانی نمی‌شود و به دستور ماده ۸۸۴ این قانون از پدر یا مادر و اقوام ایشان ارث نمی‌برد و از امتیازات قانونی بهره‌مند نمی‌شود، استثنائاً برای رفع مشکلاتی که از جهت اخذ شناسنامه یا پرداخت نفقه برای کودکان بی‌گناه حاصل از زنا پیش آمده بود، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷/۳/۴/۱۳۷۶ اعلام داشته زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه و پرداخت نفقه فرزند نامشروع بر عهده وی می‌باشد.

با توجه به پیشرفت علم در زمینه تلقیح مصنوعی و تولید کودک آزمایشگاهی، اینگونه کودکان را نیز می‌توان فرزند نامید و مانعی از نظر انتساب این کودکان با والدینشان وجود ندارد.^۲

شایان توضیح است که در حقوق ایران، به پیروی از قواعد اسلام، وجود رابطه مشروع هنگام انعقاد نطفه، شرط صحت نسب است و هرگاه پس از انعقاد نطفه نامشروع، زن و مرد با یکدیگر ازدواج نمایند، نسب نامشروع، مشروع

(۱) برای مطالعه مبانی فقهی اماره فراش بنگرید به: جواهر الکلام، نجفی، ج ۱۱، ص ۱۴۳ به بعد؛ همچنین، شرح لمعه، شهید ثانی، ج ۵، ص ۲۳۳ به بعد.

(۲) برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مجموعه مقالات حقوقی، شهیدی، مقاله ۱۰ و ۱۱ در خصوص تلقیح مصنوعی و کودک آزمایشگاهی

(۳) فرزند طبیعی، برعکس فرزند قانونی، فرزند است که از رابطه زن و مردی متولد شود که بین آنها رابطه زوجیت وجود نداشته باشد. در حقوق فرانسه بموجب قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۲ و ۸ ژانویه ۱۹۹۳، نسب بر دو قسم است: نسب قانونی و نسب طبیعی.

ترتیب به فرزند خواندگی پذیرفته شوند؛^۱ زیرا ارادهٔ ایشان برای تحقق قرار داد فرزند خواندگی لازم بود. اما امروز پذیرش صغار به فرزندگی با موافقت شخص یا مؤسسه‌ای که سرپرستی ایشان را برعهده دارد، بلامانع است.

بموجب فرزندخواندگی کامل، شخصی که کمتر از پانزده سال دارد به فرزندگی پذیرفته شده و از تمام امتیازات فرزند قانونی برخوردار می‌شود.

تشریفات قانونی و شرایط

سرپرستی از کودک بی سرپرست

قانون حمایت از کودکان بی سرپرست در ۱۷ ماده، به بیان تشریفات و شرایط زوجین و شرایط کودک تحت سرپرستی پرداخته و مقررات و قواعد آن را بیان کرده است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اول - تشریفات سرپرستی

به موجب ماده ۱ قانون مذکور، متحصراً زن و شوهر مقیم ایران می‌توانند کودکی را طبق مقررات این قانون سرپرستی کنند. قانونگذار ایران به منظور رعایت منافع کودک بی سرپرست، دارا بودن تابعیت ایرانی را برای زوجین سرپرست لازم ندانسته اما وجود رابطه قانونی زناشویی را با توجه به مبانی اعتقادی و نظم عمومی جامعه ایرانی، لازم دیده است؛ بنابراین برخلاف حقوق فرانسه که امکان پذیرش فرزند از جانب افراد مجرد نیز وجود دارد، در حقوق ایران این امر امکان‌پذیر نیست؛ زیرا هدف سرپرستی از کودک بی سرپرست این است که او از موهبت زندگی در خانوادهٔ طبیعی

و متعارف برخوردار شود و زن و مردی را مانند مادر و پدر در کنار خود احساس نماید؛ در حالی که پذیرش کودک از طرف افراد مجرد، علاوه بر اینکه با این هدف منافات دارد ممکن است راه سوء استفاده را بر برخی افراد سودجو باز کند. همچنین به عقیده بعضی از حقوق‌دانان، پذیرش کودک نباید جای تشکیل خانواده را بگیرد و نیاز کسانی را که از نکاح می‌گزینند برآورده سازد، بلکه باید موجب استحکام خانواده گردد.^۲

زوجین متقاضی مقیم ایران باید تقاضای خود را در اوراق دادخواست نوشته و به دادگاه عمومی محل اقامت خود تسلیم نمایند. از توجه به ماده ۳ قانون مذکور معلوم می‌شود که زوجین باید تقاضانامهٔ سرپرستی را بطور مشترک تنظیم و امضا کرده باشند؛ بنابراین تقاضا نامه‌ای که به امضای یکی از زوجین باشد، قابل پذیرش نیست. این ترتیب از آن جهت اتخاذ شده که بین زوجین در مورد سرپرستی از کودک، اتفاق نظر وجود داشته باشد و هر دو به این امر راضی باشند.

دادگاه پس از دریافت تقاضا نامه و بررسی شرایط زوجین، در صورتی که ایشان را واجد شرایط بداند، قبل از صدور حکم سرپرستی، کودک را برای مدت شش ماه با صدور قرار آزمایشی به زوجین می‌سپارد. در صورتی که به هر علت در دوره آزمایشی، عدم صلاحیت زوجین بر دادگاه محرز شود یا زوجین از پذیرش کودک منصرف شوند، دادگاه قرار صادر را فسخ خواهد کرد.

پس از طی دورهٔ آزمایشی، دادگاه در

صورتی حکم سرپرستی را صادر خواهد کرد که درخواست کنندگان بنحو اطمینان‌بخشی در صورت فوت، هزینه زندگی و تحصیل طفل را تأمین کنند (ماده ۵ قانون مذکور). نوع این تأمین و اطمینان بخش بودن آن به نظر دادگاه بستگی دارد؛ مثلاً زوجین می‌توانند مبلغی را به عنوان سپرده ثابت به نام کودک، نزد بانک تودیع نمایند و به شخصی نمایندگی دهند که پس از فوت ایشان، هزینه زندگی و تحصیل کودک را از آن محل تأمین کند. دادگاه پس از بررسی تمام شرایط، حکم سرپرستی را صادر خواهد کرد.

دوم - شرایط زوجین و کودک

برای صدور حکم سرپرستی، وجود شرایطی در زوجین و کودک ضروری است که ذیلاً بررسی می‌شود.

الف - شرایط زوجین متقاضی:

زن و شوهر متقاضی سرپرستی، علاوه بر اقامت در ایران، باید از نظر جسمی، روحی و مالی نیز واجد شرایط باشند.

به موجب بند الف ماده ۳ قانون مذکور، زوجین پذیرنده که یکی از ایشان باید حداقل سی سال تمام داشته باشد، در صورتی می‌توانند متقاضی سرپرستی از کودکی باشند که پنج سال از ازدواج ایشان گذشته باشد و صاحب فرزند نشده باشند، اما هرگاه بوسیله آزمایشهای پزشکی قبل

(۱) حقوق مدنی، کاربونییه (carbonnier)،

ج ۲، ش ۳۶۳

(۲) حقوق مدنی، کاتوزیان، ج ۲، (اولاد)، ش ۵۳۸

از پنج سال معلوم شود که صاحب فرزند نخواهند شد، دادگاه می‌تواند ایشان را از شرط بند الف و ب معاف کند. مثلاً هرگاه زن و مردی که ۲۵ سال دارند و سه سال از ازدواج ایشان گذشته، بوسیله گواهی پزشکی قانونی اثبات کنند که صاحب فرزند نخواهند شد، می‌توانند متقاضی سرپرستی از کودک باشند.

در حقوق فرانسه شرط سنی برای زوجین وجود ندارد اما هرگاه سن زوجین یا یکی از ایشان کمتر از سی سال باشد، لازم است از مدت ازدواج ایشان پنج سال گذشته باشد.^۱ و در صورتی که فرد مجرد متقاضی فرزندخواندگی باشد، لازم است حداقل دارای سی سال سن باشد. همچنین هرگاه یکی از زوجین، فرزند همسر خود را به فرزند خواندگی می‌پذیرد، نباید بین ایشان کمتر از ده سال اختلاف سن وجود داشته باشد.^۲ بند (د) و (ز) ماده ۳ قانون حمایت از کودک بدون سرپرست، عدم محجوریت و عدم ابتلا به بیماریهای واگیر صعب‌العلاج را از دیگر شرایط زوجین دانسته است. اما بهتر بود با توجه به مشکلاتی که ممکن است برای کودک ایجاد شود، قانونگذار ابتلا به بیماریهای صعب‌العلاج یا لاعلاج را که نوعاً منتهی به فوت شخص می‌شود، از موانع سرپرستی محسوب کرده و آن را منحصر به بیماری واگیر صعب‌العلاج نمی‌نمود.

پس از صلاحیتهای جسمی و روانی لازم است زوجین از نظر اخلاقی نیز صلاحیت داشته باشند؛ به همین جهت به موجب بند (ه) ماده مذکور می‌بایست «زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند».

صلاحیت اخلاقی مذکور در این ماده، مفهومی کلی و عام دارد و با استناد به آن می‌توان رعایت بسیاری از ضوابط اخلاقی را - که عدم رعایت آن جرم نیست اما با اخلاق منافات دارد - شرط قبول تقاضا دانست.

علاوه بر این صلاحیت عام می‌بایست «هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند.» (بند ح) همچنین «هیچ یک از زوجین دارای محکومیت جزایی مؤثر به علت ارتکاب جرایم عمدی نباشند.»^۳ (بند ج)

همچنین لازم است زوجین یا یکی از ایشان دارای تمکن مالی باشند به نحوی که بتوانند یک خانواده معمولی متعارف را اداره کنند.

ب - شرایط کودک:

طفلی که برای سرپرستی سپرده می‌شود، باید کمتر از دوازده سال داشته باشد. هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر او شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا کودکي باشد که به مؤسسات عام المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا جد پدری یا مادر او مراجعه نکرده باشند (ماده ۶). اما کسانی که قبل از تصویب این قانون کودکی را سرپرستی کرده‌اند، در صورتی که بخواهند روابط خود را تابع قانون مذکور سازند، از شرط سنی معاف خواهند بود.

هدف قانونگذار از درج شرط سنی برای کودک، رعایت مصلحت وی بوده است؛ زیرا: اولاً کودک در سنین کودکی آسانتر با خانواده سرپرست خو می‌گیرد؛ ثانیاً هدف از سرپرستی که تربیت مؤثر در

خانواده است، در سنین کودکی مفیدتر و کارسازتر خواهد بود.

ممکن است پس از احراز شرایط، کودک به خانواده‌ای سپرده شده و بعد از مدتی والدین او پیدا شوند. حتی ممکن است بعضی از والدین ناصالح که کودک خود را رها کرده‌اند با اطلاع از وضعیت او بخواهند با سوء استفاده از علاقه ایجاد شده بین کودک و زوجین سرپرست، از این وضعیت بهره‌نابجا برند؛ در این صورت تکلیف چیست؟

ممکن است چنین استدلال شود که حق مادری یا ابوت ساقط نمی‌شود و در هر شرایطی که والدین یافت شوند، برای سرپرستی کودک ارجح هستند. این استدلال در موردی که والدین به سبب حوادث و شرایط غیر قابل پیشگیری و اتفاقی، نظیر سیل، جنگ یا زلزله، کودک خود را گم کرده‌اند، صادق است. در این

(۱) حقوق مدنی، کاربونه، ش ۲۵۳

(۲) درسهایی از حقوق مدنی، مازو، ج ۱، ش ۱۰۳۲

(۳) به موجب قانون تعریف محکومینهای مؤثر کیفری مصوب سال ۶۶: «مراد از محکومینهای مؤثر کیفری مذکور در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی، عبارت است از: الف - محکومیت به حد ب - محکومیت به قطع ناقص عضو ج - محکومیت لازم الاجرا به مجازات حبس یا بالاتر در جرائم عمدی د - محکومیت به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون ریال و بالاتر ه - سابقه محکومیت لازم الاجرا دو بار یا بیشتر به علت جرمهای مشابه. جرمهای سرقت، کلاهبرداری، ارتشا و خیانت در امانت جزو جرمهای مشابه محسوب می‌شوند».

دوره آزمایشی و صدور حکم سرپرستی می‌نمود. در این صورت با احراز تأمین هزینه زندگی کودک، دیگر مانعی برای صدور حکم سرپرستی بوجود نمی‌آمد و اگر دوره آزمایشی با موفقیت طی نمی‌شد، تضمین سپرده شده نیز خودبخود ملغی می‌گردید.

به موجب ماده ۹ قانون مذکور، احکام صادر در کلیه امور مربوط به سرپرستی، قابل رسیدگی و تجدید نظر می‌باشد.

ب - آثار حکم:

پس از صدور حکم سرپرستی و قطعیت آن، مفاد حکم به اداره ثبت احوال، ابلاغ و نام کودک در اسناد سجلی زوجین درج شده، برای کودک با مشخصات زوجین سرپرست، شناسنامه صادر می‌شود (ماده ۱۴). بر اثر این حکم، وظایف و تکالیفی از لحاظ نگاهداری و تربیت و پرداخت نفقه برای زوجین و متقابلاً رعایت احترام زوجین سرپرست و اطاعت از ایشان مانند آنچه در ماده ۱۷۷ ق.م. در مورد احترام والدین مقرر شده، برای کودک بوجود می‌آید.

تکالیف مقرر در قانون سرپرستی، خاص زوجین است و به اقوام ایشان سرایت نمی‌کند؛ مثلاً به موجب ماده ۱۱۹۹ ق.م. «نفقه اولاد بر عهده پدر است و پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بر انفاق، بر عهده اجداد پدری است...» اما در صورتی که زوج سرپرست فوت کند، نمی‌توان پدر او را ملزم به پرداخت نفقه کودک تحت سرپرستی کرد؛ زیرا تکلیف زوج به دادن نفقه کودک، اختصاص به خود او دارد و پدر وی از شمول قانون خارج است.

سنی این است که سن فرزندخوانده حداقل پانزده سال کمتر از سن سرپرست باشد. هر کودکی را در هر سن می‌توان به فرزندپذیری پذیرفت. اما به موجب ماده ۳۴۵ قانون مدنی فرانسه، کودکی که به فرزندخواندگی کامل پذیرفته می‌شود، نباید بیش از پانزده سال داشته باشد.

سوم - صدور حکم سرپرستی و آثار آن

الف - صدور حکم:

پس از بررسی شرایط زوجین متقاضی و کودک، دادگاه قرار دوره آزمایشی را صادر خواهد کرد، پس از طی این دوره به مدت شش ماه، دادگاه با رعایت مقررات ماده ۵، با اطمینان به تأمین هزینه زندگی پس از فوت زوجین، حکم سرپرستی را صادر می‌کند. به موجب ماده ۵ که قبلاً ذکر شد، دادگاه در صورتی حکم سرپرستی را صادر خواهد کرد که زوجین به نحو اطمینان‌بخشی، هزینه زندگی و تحصیل کودک را برای پس از مرگ خود تأمین کرده باشند.

این ترتیب قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا ممکن است زوجین متقاضی حائز تمام شرایط باشند و دوره آزمایشی نیز با موفقیت طی شود، اما نتوانند به کیفیت اطمینان‌بخشی هزینه زندگی آینده کودک را تأمین کنند، در این صورت دادگاه حکم سرپرستی را صادر نکرده و کودک را مسترد خواهد کرد. پس بهتر بود که دادگاه هنگام صدور قرار دوره آزمایشی از این کیفیت اطمینان بخش در تأمین زندگی کودک برای پس از فوت اطمینان حاصل کرده ولی قطعیت آن را موکول به طی

صورت قانون راه را باز گذاشته و به موجب بند ۳ ماده ۱۶ به والدین اجازه داده با زوجین سرپرست توافق کرده فسخ حکم سرپرستی را تقاضا کنند. اما این ترتیب چنانکه گفته شد، ممکن است مورد سوء استفاده افراد ناصالح قرار گیرد و ایشان بخواهند با سوء استفاده از فرزند خود، مبالغی از زوجین برای واگذاری کودک خود، طلب نمایند؛ از توجه به قانون که حکم سرپرستی را در موارد محدود، قابل فسخ دانسته و یکی از آن موارد، همان توافق با زوجین است، می‌توان گفت که هرگاه زوجین با تقاضای والدین برای استرداد کودک موافقت نکنند، دادگاه حکم سرپرستی را لغو نخواهد کرد؛ مضاف بر اینکه به موجب ماده ۱۷ قانون مذکور، دادگاه قبل از فسخ حکم سرپرستی، اقدامات لازم را در بقای این حکم به عمل خواهد آورد و هرگاه صلاحیت کافی را در والدین طفل احراز نکرد، می‌تواند از فسخ حکم سرپرستی خودداری کند. باید توجه داشت که در چنین مواردی، مانند موردی که حضانت کودک به موجب ماده ۱۱۷۳ ق.م. به علت عدم صلاحیت والدین، به شخص دیگری سپرده می‌شود، ولایت پدر بر فرزند باقی می‌ماند گرچه به جهت عدم صلاحیت، حضانت و سرپرستی کودک او به دیگری واگذار می‌گردد. والدین کودک تحت سرپرستی، همچنین می‌توانند با اثبات عواملی که خارج از اراده ایشان سبب جدایی فرزندشان از آنها گردیده، از دادگاه تقاضای ابطال حکم سرپرستی را بنمایند. در قانون مدنی فرانسه، برای پذیرش کودک به فرزندخواندگی ساده تنها شرط

به موجب تبصره ماده ۱۱ قانون مذکور، اداره اموال و نمایندگی کودک تحت سرپرستی، به زوج واگذار می‌شود، مگر اینکه دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ کند؛ این نمایندگی ناشی از قانون است و نباید آن را با ولایت پدر و جد پدری اشتباه گرفت.

آثار حکم سرپرستی انحصار به مواردی دارد که ذکر شد و بیش از این آثاری بر آن متصور نیست؛ مثلاً همانطور که ماده ۲ این قانون نیز تصریح کرده، از موجبات ارث نخواهد بود. همچنین بین زوجین و کودک ایجاد حرمت نمی‌کند؛ بنابراین هرچند ظاهراً با درج نام زوجین در شناسنامه کودک و بر عکس، ایشان دارای رابطه خویشاوندی معرفی می‌شوند، می‌توان خلاف آن را نیز اثبات کرد. مثلاً هرگاه زوج سرپرست فوت کند و اموال او بین همسر و کودک تحت سرپرستی وی بر طبق قواعد ارث تقسیم شود، برادر و خواهر متوفی که قانوناً همراه زوجه وارث او شناخته می‌شوند، خواهند توانست با اثبات اینکه کودک، فرزند واقعی متوفی نیست، از تعلق میراث متوفی به وی جلوگیری کنند. ممکن است در عمل چنین مواردی بندرت پیش آید، اما این امر، حکم قانون را نفی نمی‌کند. توجه خوانندگان را به رأیی که در این مورد از یکی از شعب دیوان کشور صادر شده، جلب می‌کنم:

شخصی فوت می‌کند و پنج تن از وراث وی به خواسته اعتراض بر گواهی حصر وراثت که در آن نام دختری - که به موجب حکم سرپرستی، بعنوان فرزند متوفی معرفی شده بود- نیز در ردیف

وراث درج گردیده بود طرح دعوی نموده و تقاضای نفی ولد می‌کنند. دادگاه بدوی با این استدلال که دعوی باید به طرفیت نماینده قانونی دختر مذکور که حذف نامش از گواهی حصر وراثت درخواست شده بود، اقامه گردد، دعوی خواهانها را محکوم به رد می‌نماید. این حکم، تجدید نظرخواهی شده و شعبه دیوان کشور

زوجین

پذیرنده که یکی از ایشان

باید حداقل سی سال

تمام داشته باشد،

در صورتی می‌توانند

متقاضی سرپرستی از

کودکی باشند که پنج

سال از ازدواج ایشان

گذشته باشد و صاحب

فرزند نشده باشند.

چنین اظهار نظر می‌کند: «رأی: اعتراض تجدید نظرخواهانها (وراث متوفی) وارد و موجه است؛ زیرا نامبردگان در مقام اعتراض به گواهی حصر وراثت شماره ... مورد تقاضای خواننده و نفی ولد خانم «ب» فرزند خوانده مرحوم ... و خانم «الف» که در وصیت‌نامه رسمی شماره ... دفترخانه ... تصریح به فرزندخواندگی خانم «ب» گردیده است اقامه دعوی نموده‌اند؛ بنابراین اقتضا داشته دادگاه در مورد نفی ولد مرجوعه و اعتراض خواهانها رسیدگی و در ماهیت دعوی،

حکم شایسته را صادر نماید...»^۱ به این ترتیب ملاحظه می‌شود که دیوان کشور با پذیرش این مطلب که درج نام در شناسنامه برای اثبات نسب و وراثت کافی نیست و اگر خلاف آن اثبات گردد، مانع توارث می‌شود، دعوی وراثت متوفی را پذیرفته است.

همچنین حکم سرپرستی از موانع نکاح محسوب نشده است؛ یعنی بین کودک و زوجین سرپرست و اقوام ایشان ایجاد حرمت نمی‌کند. بنابراین هرچند از نظر عاطفی و اخلاقی کسی که کودکی را بزرگ کرده نمی‌تواند احساس همسری به او داشته باشد، اما از نظر شرعی مانعی در این راه وجود ندارد. به عبارت دیگر کودک و زوجین سرپرست به یکدیگر محرم محسوب نمی‌شوند. موارد ایجاد حرمت نکاح که اختصاص به اقربای نسبی مذکور در ماده ۱۰۳۲ ق.م. و قربان رضاعی در حدود مذکور در ماده ۱۰۴۶ این قانون دارد، صراحتاً در قانون احصا گردیده و هیچ موردی را نمی‌توان بر آن افزود یا از آن کاست.^۲ در این خصوص ایراد شده که از نظر اخلاقی، امکان زناشویی با کودکی که به فرزند پذیرفته شده با هدف قانونگذار از تأسیس این سازمان منافات

۱) علل نقض آراء محاکم در موضوعات احوال شخصیه و مدنی در دیوان عالی کشور، بازگیر، ش ۱۸۹

۲) در خصوص منابع فقهی موانع نکاح بنگرید به: شرح لمعه، شهیدثانی، ج ۵، ص ۱۵۴ به بعد. و در منابع حقوقی بنگرید به: حقوق مدنی، کاتوزیان، ج ۱، ش ۵۴ به بعد؛ حقوق مدنی، امامی، ص ۲۸۹ به بعد

دارد.^۱ این استدلال از نظر عاطفی و اخلاقی کاملاً صحیح است؛ همچنین درست است که با توجه به اوراق هویت، شخصی که دارای نام خانوادگی زوج سرپرست است، فرزند او معرفی شده و دفاتر ازدواج از ثبت چنین ازدواجی خودداری می‌کنند، اما آیا هرگاه خلاف این امر اثبات شد و مثلاً مردی بر خلاف تمام ضوابط اخلاقی تصمیم گرفت با دختری که او را سرپرستی کرده ازدواج نماید و اثبات نمود که این دختر فرزند واقعی او نیست، آیا می‌توان از این عمل جلوگیری کرد و آیا منع قانونی در این خصوص وجود دارد؟ پاسخ منفی است و با وجود زشتی این عمل، با توجه به موانع نکاح که در ماده ۱۰۴۵ تا ۱۰۵۹ ق.م. بیان شده، نمی‌توان سرپرستی کودک بی سرپرست را در زمره این موارد و از موانع نکاح دانست.

در حقوق فرانسه، فرزند خوانده کامل از زوجین و اقوام ایشان ارث می‌برد، و برعکس، از حیث مانعیت نکاح مانند فرزند قانونی محسوب می‌شود.^۲ اما رابطه فرزند خوانده ساده با خانواده اصلی قطع نمی‌شود و او از والدین واقعی خود ارث می‌برد و اگر فوت کند، دارایی او پس از فوت، بین خانواده واقعی و پدر و مادر خوانده تقسیم می‌شود. اما بین فرزند خوانده یا پدر یا مادر خوانده مجرد، هیچ رابطه توارث برقرار نمی‌شود. به موجب ماده ۳۶۶ قانون مدنی فرانسه، نکاح فرزند خوانده ساده با بعضی از افراد خانواده یا بعضی از اقوام ایشان، ممنوع است. اتخاذ این ترتیب در حقوق ایران و ممنوع نمودن ازدواج زوجین سرپرست با کودک

تحت سرپرستی با توجه به اینکه از مصادیق حرام نمودن حلال محسوب می‌شود، غیر ممکن به نظر می‌رسد.

انحلال و فسخ حکم سرپرستی

در حقوق ایران، مواردی پیش بینی شده که در آن موارد می‌توان فسخ و انحلال حکم سرپرستی را از دادگاه تقاضا کرد. این موارد را ماده ۱۶ قانون سرپرستی منحصر به سه مورد دانسته است:

۱- هرگاه زوجین سرپرست سوء رفتار داشته مثلاً کودک را مورد آزار و شکنجه قرار دهند یا به واسطه انجام اعمال ناشایست، صلاحیت اخلاقی خود را از دست دهند، چنانکه زندگی کودک با ایشان به مصلحت او نباشد، دادستان (در سیستم فعلی رئیس دادگستری یا رئیس حوزه قضایی) می‌تواند فسخ حکم سرپرستی را از دادگاه تقاضا کند.

۲- ممکن است کودک تحت سرپرستی، رفتاری داشته باشد که برای زوجین سرپرست غیر قابل تحمل باشد و یا اینکه ایشان توانایی مالی یا جسمی خود را برای سرپرستی از دست داده باشند، در این صورت، زوجین سرپرست می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند که حکم سرپرستی را فسخ کند.

۳- کودک تحت سرپرستی پس از رسیدن به سن کبر در صورتی که مایل به بقای حکم سرپرستی نباشد، می‌تواند از دادگاه، فسخ آن را تقاضا کند. نیز، چنانکه گفته شد، ممکن است والدین کودک پیدا شوند و با زوجین سرپرست توافق کنند که حکم سرپرستی فسخ شود، در این صورت، دادگاه به تقاضای والدین طفل و

توافق ایشان با زوجین سرپرست، حکم سرپرستی را فسخ خواهد کرد.

در هر مورد، دادگاه، قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی، سعی خواهد کرد، حکم سابق را ابقا کند؛ اما هرگاه با بررسی اوضاع و احوال، فسخ حکم را به مصلحت کودک بدانند، رأی بر فسخ خواهد داد.

این حکم پس از قطعیت، به اداره ثبت احوال، جهت اصلاح اسناد سجلی طرفین ابلاغ می‌شود و حکم سرپرستی، کلیه آثار خود از جمله الزام به انفاق و نگهداری کودک را از دست می‌دهد.

در بعضی موارد ممکن است حکم سرپرستی بدون رعایت تشریفات و مقررات قانونی صادر شده باشد، در این صورت می‌توان صدور حکم بر ابطال آن را از دادگاه تقاضا کرد؛ مثلاً هرگاه معلوم شود، زوجین هنگام تقاضای سرپرستی، دارای فرزند بوده‌اند یا والدین کودک معلوم و در قید حیات بوده‌اند و با این حال حکم سرپرستی صادر شده است، والدین کودک، طبق ماده ۱۶ مذکور می‌توانند با زوجین سرپرست توافق کرده، فسخ حکم را تقاضا نمایند؛ اما اگر زوجین سرپرست حاضر به توافق نشدند، اینان می‌توانند به علت عدم رعایت تشریفات و مقررات قانونی ابطال آن را از دادگاه تقاضا کنند.

در حقوق فرانسه، فسخ حکم فرزند خواندگی کامل امکان ندارد ولی دادگاه با بررسی اوضاع و احوال ممکن است فرزند

(۱) حقوق مدنی، کاتوزیان، ج ۲، ش ۵۴۸

(۲) حقوق مدنی، کاربونیو، ش ۳۶۲

خواندگی ساده را فسخ کند.
در پایان، ذکر چند نکته ضروری است:

۱- ممکن است زوجین سرپرست پس از صدور حکم سرپرستی دارای فرزند شوند؛ این امر به حکم سرپرستی خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

۲- زوجین سرپرست می‌توانند با توجه به توانایی خود از چند کودک سرپرستی کنند. تصمیم نهایی در این مورد با بررسی صلاح خانواده و کودکان تحت سرپرستی با دادگاه خواهد بود.

۳- در صورتی که زوجین سرپرست از یکدیگر جدا شوند، دادگاه در مورد سرپرستی کودک تصمیم خواهد گرفت ولی حکم طلاق منافاتی با حکم سرپرستی ندارد و این حکم به فوت خود باقی می‌ماند.

۴- حکم سرپرستی چنانکه گفته شد، از موجبات ارث بین زوجین سرپرست و کودک تحت سرپرستی نخواهد بود. اما هر

جز اینکه قانونگذار به این وسیله خواسته باشد، اشخاص را به قبول سرپرستی کودکان بی‌سرپرست ترغیب کند. اما چنان‌که بعضی از حقوق‌دانان نیز گفته‌اند، این راه حل، راه حلی ناشیانه و مخالف اصل است و برای رفع اشکال پیشنهاد کرده‌اند که تبصره مذکور به این صورت اصلاح شود که «با فوت کودک، تملیکات مجانی که از طرف زوجین به سود او انجام شده است منفسخ می‌گردد». به این ترتیب آنچه به کودک بطور مجانی داده شده با فوت او به مالک بر می‌گردد.^۱

چنانچه اموالی از طرف اشخاصی غیر از زوجین سرپرست، به کودک صلح یا هبه شود، پس از فوت او به وراثت وی منتقل می‌شود و در صورتی که کودک وارثی نداشته باشد، بعنوان اموال بلا مالک به ملکیت دولت در می‌آید.

(۱) حقوق مدنی، کاتوزیان، ش ۵۴۷

نوع هبه و صلح در زمان حیات زوجین به کودک بلا مانع است و پس از فوت زوجین اموال صلح شده یا موهوبه را نمی‌توان از کودک استرداد کرد. اما هرگاه کودک فوت کند و اموالی به او صلح شده باشد، باید بین اموالی که زوجین به وی صلح کرده و اموالی که دیگران به وی تملیک نموده‌اند، فرق گذاشت. به موجب تبصره ماده ۵ قانون سرپرستی، «هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد، در صورت فوت طفل، وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین تحت سرپرستی تملیک خواهد شد.» این ترتیب برخلاف اصول و قواعد حقوقی است؛ زیرا کودک بوسیله صلح، مالک اموال مورد صلح شده و پس از فوت وی این اموال باید به وارث قانونی او، و در صورت فقدان وارث، توسط دولت تملک شود ولی در هر حال تملیک این اموال به زوجین سرپرست، توجیه قانونی ندارد،

منابع:

- جواهرالکلام: محمد حسن نجفی، بیروت، مؤسسة المرتضی العالمیه، دار المورخ العربی، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲م

- حقوق مدنی: سید حسن امامی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۳

- حقوق مدنی: کاربونیر (Carbonnier)

- حقوق مدنی خانواده: ناصر کاتوزیان، تهران، انتشارات بهمن برنا، ۱۳۷۱

- درسهایی از حقوق مدنی: مازو (Mazeaud)

- الروضة البهية فی شرح لمعة الدمشقيه: شهید ثانی، تهران، مکتب العلمیه الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق - ۱۳۷۴

- علل نقض آراء محاکم در موضوعات احوال شخصیه و مدنی در دیوان عالی کشور: یدالله بازگیر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۵

- اللعنه الدمشقيه: شهید اول، نجف، جامعه النجف الدینی، ۱۳۹۱ ق

- مجموعه مقالات حقوقی: مهدی شهیدی، مقاله ۱۰ و ۱۱ در خصوص تلقیح مصنوعی و کودک آزمایشگاهی، بی جا، نشر حقوقدان،